

ذ ن

نام - نان - نورانی - آسان - نم نم - باران - آسمان - بند -
آب نبات - ناس - تن - تابان - تابستان - آبادان - دندان -
انار - نادان - سامان - ساسان - دانا - ندارد - بانو - سنتور -
دامن - آناناس - من - تنور - بدن - آن - سمنو - آبان -

سامان در دست انار دارد.

مادر با نان آمد.

باران نم نم آمد.

ساسان دندان درد دارد.

دانا ادب دارد.

نادان ادب ندارد.

آن انار آب دار است.

من آناناس دوست دارم.

نان در تنور است.

